

تحلیل مبنای حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید

علیرضا باریکلو*

استاد، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۱)

چکیده

مبنای مسئولیت مبتنی بر تولید یکی از موضوعات مهمی است که در پرتو سیاست اقتصادی و بازاری و رویکرد به عدالت سیستم حقوقی از یک سو و ایجاد توازن بین حقوق مصرف‌کننده در دسترسی به کالای سالم و منافع تولیدکننده یا اهداف مسئولیت از سوی دیگر باید تعیین شود. به‌رغم لزوم توجه به این عوامل، جهت تعیین نظریه مبنایی مناسب، در آغاز، مانند مسئولیت مدنی عام، برای توجیه مسئولیت مبتنی بر تولید به تقصیر استناد شد. اما، به علت ابهام در مفهوم تقصیر و نیز ویژگی رفتاری بودن آن و عدم امکان اثبات آن از سوی مصرف‌کننده، به نظریه عیب محصول یا تسامحاً مسئولیت محض استناد شد. این یک تحول از توجه به رفتار به نتیجه بود. اما، این نظریه نیز نتوانست همه وظایف تولیدکننده را توجیه کند. ازین‌رو، نظریه امنیت و ثبات بازاری برای جلب اعتماد مشتری و حمایت از منافع اقتصاد ملی نظریه‌ای مناسب است که می‌تواند به‌منزله مبنای مسئولیت مبتنی بر تولید همه وظایف تولیدکننده را پوشش دهد.

واژگان کلیدی

امنیت بازاری، تقصیر، محصول معیوب، وظایف تولیدکننده.

مقدمه

در اکثر سیستم‌های حقوقی مسئولیت مبتنی بر تولید یا وظایف تولیدکننده در پوشش حقوق حمایت از مصرف‌کننده ظاهر شده است. در حقوق ایران نیز فصل دوم قانون حمایت از مصرف‌کننده، مصوب ۱۳۸۵، که روح اصلی قانون را تشکیل می‌دهد، تحت عنوان «وظایف عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در قبال حقوق مصرف‌کنندگان»، عمدتاً به وظایف عرضه‌کنندگان کالا و خدمات اختصاص یافته است. چون، بدون این وظایف، حقوقی برای مصرف‌کننده قابل تصور نیست تا از آن حمایت شود. پس، مقتضای حقوق حمایت از مصرف‌کننده اگر در ارتباط با تولیدکننده بررسی شود، وظیفه است و اگر از حیث مصرف‌کننده به آن توجه شود، حق است. در نتیجه، وظایف تولیدکننده و حقوق مصرف‌کننده دو روی یک سکه قواعد حقوقی است. ازین رو، هرچند به این مقررات غالباً حقوق مصرف^۱ اطلاق شده، چون وظایف تولیدکننده اساس حقوق مصرف‌کننده است، این مقاله بر تحلیل مبنای حقوقی مسئولیت مبتنی بر تولید متمرکز می‌شود. بنابراین، این سؤال مطرح است که مبنای مناسب چیست و چه نظریاتی به منزله مبنای مسئولیت مبتنی بر تولید قابل طرح است؟ فرضیه مقاله این است که مبنای مناسب باید همه وظایف تولیدکننده را توجیه کند و از این حیث نظریه ثبات و امنیت بازاری بر نظریه تقصیر و مسئولیت مبتنی بر عیب کالا مقدم است. بنابراین، ابتدا به طور مختصر مسئولیت تولیدکننده بررسی می‌شود تا وظایف او مشخص شود. بعد با توجه به توانایی توجیه این وظایف، نظریات بررسی می‌شود.

مسئولیت تولیدکننده

مسئولیت گاهی به معنای ضمان به کار می‌رود و این در مواردی است که باید مالی به منزله خسارت یا طلب به دیگری داده شود. واژه معادل این معنا، در حقوق خارجی، Liability است. گاه تولیدکننده با این نوع مسئولیت مواجه می‌شود. بنابراین، ضمان لفظی مشترک است شامل تعهد عقدی و غیرعقدی (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۹: ۲۸۲) و قرارداد مضمون به بر ذمه شخص مسئول و رعایت همه آثار مترتب بر آن تعریف شده است (حلی، ۱۴۱۵ ق: ۲۵). اما مراد از مسئولیت همه

وظایف تولیدکننده، اعم از وجود قربانی ناشی از مصرف و عدم آن، است. مثلاً خطاب قرآنی «ان العهد کان مسئولاً» (الاسراء / ۳۴) «عهد مورد بازخواست است» با «اوفوا بالعقود» (مائده / ۱) «به عهد خود وفا کنید» کاملاً متفاوت است. زیرا در آیه اول هشدار داده که مراقب عهد خود باشید و در آیه دوم متعهدان ملزم به اجرای عهد خود شده‌اند. همچنین، هشدار حضرت امیرالمومنین «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ.» (نهج البلاغه / ۱۹۹) «در مورد بندگان و سرزمین خدا تقوای الهی داشته باشید. شما حتی درباره زمین هموار و حیوانات مورد بازخواست قرار خواهید گرفت.» دلالت بر این دارد که همه باید در رفتار خود با دیگران دقت کنند. پس مراد از مسئولیت همه وظایفی است که به جهت اشتغال به تولید متوجه تولیدکننده است. واژه معادل این معنا، در حقوق معاصر، responsibility است. چون مسئولیت به معنای اول مستلزم وجود دوطرفه رابطه حقوقی، مسئول یک طرف و قربانی طرف دیگر، است. اما، مسئولیت به معنای دوم مستلزم وجود طرف دیگر رابطه نیست. برای تولیدکننده، به استناد حرفه و شغل تولید محصول، وظایفی در سیستم حقوق معاصر مقرر شده که برای شناخت مبنای آن باید وظایف مبتنی بر تولید بررسی شود. پس، در آغاز به وظایف ناشی از تولید اشاره می‌شود.

سلامت کالا

اصلی‌ترین وظیفه تولیدکننده تولید کالای سالم و باکیفیت است. در گذشته، مسئولیت مبتنی بر تولید بر عیب محصول متمرکز بود. اما، با گذشت زمان و توسعه اهداف حقوق تولید، از «حمایت از مصرف‌کننده» به «حمایت از منافع اقتصاد ملی»، تولید کالای سالم وظیفه هر تولیدکننده‌ای محسوب شد. زیرا، در تحقق این هدف، تأکید بر عیب و ابتدای مسئولیت بر عیب کالا، که در محصولات طبیعی رایج بود، در محصولات صنعتی نمی‌توانست کارایی داشته باشد. چون فرایند تولید محصول طبیعی سالم و مطمئن بود و از این حیث اغلب افراد محصولات طبیعی سالم و باکیفیت تولید می‌شد و اگر یکی از محصولات معیوب بود، مسئولیت تولیدکننده بر عیب محصول مبتنی می‌شد. اما در محصولات صنعتی، که ساختار کمی و کیفی محصول تابع اراده و منافع تولیدکننده است، نمی‌توان از روند سلامت محصول تولیدی غافل شد و بر مرحله نهایی، که عرضه کالای معیوب است، تمرکز کرد. بنابراین، رویکرد حقوقی، در حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید، از

عیب محصول به وظیفه تولیدکننده در تولید کالای سالم و باکیفیت تغییر کرد. مثلاً در اتحادیه اروپا دو دستورالعمل با این رویکرد تدوین شد که اولین آن دستورالعمل مسئولیت ناشی از تولید است، که نام دستورالعمل^۱ بدان داده شد، و دوم دستورالعمل سلامت کل محصول^۲ است، که در بند ۱ ماده ۳ تولیدکننده به صراحت به عرضه کالای سالم و بدون عیب به بازار موظف شده است.^۳ در ماده ۶ نیز فقدان سلامت به وجود عیب تعبیر شده است: «محصول زمانی معیوب است که با در نظر گرفتن همه اوضاع و احوال، از جمله عرضه محصول، مصرفی که باید به طور متعارف از آن شود، و زمانی که محصول عرضه شده سلامت مورد انتظار یک شخص متعارف را نداشته باشد.» در این ماده با توجه به انس سنتی و کلاسیک به عیب تولید، در مفهوم عیب تصرف شده و فقدان سلامت مورد توقع شخص متعارف عیب و تولیدکننده مسئول عواقب ناشی از آن قلمداد شده است. به همین جهت، برخی بر این باورند که مفهوم محصول سالم در دستورالعمل سلامت محصول تا حد زیادی مفهومی موازی با عدم عیب محصول است. گرچه محصول غیرسالم معمولاً متضمن عیب است، قابل توجه است که یک محصول معیوب باید همیشه غیرسالم ملاحظه شود (Goodden, 2009: 422). بنابراین، معیار تشخیص سلامت محصول ساختار کالا نیست؛ بلکه توقع مصرف کننده^۴ متعارف، با توجه به هدفی که محصول برای آن، مطابق استاندارد تولیدی زمان عرضه، به بازار وارد شده، ملاک است. البته، قابل توجه است که در سیستم حقوقی بعضی از کشورها، مانند آمریکا، به رغم اینکه تولیدکننده وظیفه دارد کالای بدون عیب و سالم تولید کند، از ملاک توازن ریسک و سود^۵ نیز برای احراز فقدان سلامت استفاده می شود. این معیار بیشتر در مرحله طراحی قابل اعمال و بر این متمرکز است که آیا طرح جایگزینی وجود دارد که خطر موجود در محصول را کاهش یا خطر را در سایر اجزای محصول نشان دهد؟ در حالی که ملاک توقع مصرف کننده بر این متمرکز است که آیا محصول برای مصرف کننده به طور غیرمتعارف

1. Product Liability Directive (the «Directive»)

2. General Product Safety Directiv (GPSD)

3. «producers shall be obliged to place only safe products on the market.»

4. Consumer expectation test

5. Risk/utility balance test

خطرناک است و آیا تولیدکننده در تأمین توقع مصرف‌کننده ناموفق بوده است؟ (Sterrett, 2015: 899 - 898).

به نظر می‌رسد هر یک از این معیارها در مواردی قابل استفاده باشد. زیرا اگر منشأ فقدان سلامت عیب طراحی باشد، معیار توازن سود - ریسک مناسب‌تر است. اما، اگر فقدان سلامت ناشی از عدم کیفیت فرد محصول یا فقدان علایم هشدار باشد، معیار توقع مصرف‌کننده مناسب است. در حقوق ایران نیز، در قسمت اول ماده ۲، بر وظیفه تأمین سلامت کالا تأکید و مقرر شده «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه‌شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند...» این رویکرد، اگر هدفمند مطرح می‌شد، تحولی در قواعد تولید و عرضه کالا ایجاد می‌کرد. اما، در آخر ماده بر عیب محصول تمرکز شده که اثبات عیب محصول صنعتی کاری بس دشوار است؛ به‌خصوص با مفهومی که در این قانون از عیب، یعنی نقصان در ساختار کالا و محصول، مطرح شده است. چون در بند ۴ ماده ۱ آمده «منظور از عیب در این قانون زیاده، نقیصه، یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات گردد.» واضح است که زیادی و نقیصه و تغییر حالت نسبت به روند کلی و غالب محصول تولیدی قابل تحقق است (باریکلو، ۱۳۹۴: ۲۲۱)؛ وگرنه فرد محصول در حد خودش زیاده و نقیصه‌ای ندارد.

به‌هرحال، برای اجرایی شدن وظیفه تولید محصول سالم باید استانداردهای فرایند تولید محصول سالم تدوین شود تا معیار و ملاکی برای تشخیص محصول سالم از ناسالم باشد؛ همان‌گونه که در حقوق اسلامی به‌اتفاق (حسینی‌عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۴: ۳۵۰) فرایند طبیعی تولید محصول اساس و پایه قرار گرفته و عیب به زیاده یا کاستی یا نقصان در عضو یا وصف خلقت اصلیه و طبیعی شیئی اطلاق شده که آن را از حالت عادی خارج کند (سبزواری، ۱۴۲۳: ۴۷۵). پس ضروری است که در حقوق ایران، با تغییر رویکرد از عیب به سلامت محصول، معیار و موازینی برای سطح سلامت محصول تعیین و الزامی شود.

تضمین سلامت

صرف عرضه محصول سالم کافی نیست. باید سلامت محصول تا مدت زمان متعارفی تأمین شود. این وظیفه اصطلاحاً گارانتی یا تضمین نامیده می‌شود. زیرا ممکن است محصول طوری طراحی شود که اندکی بعد از فروش و استفاده معیوب شود و هدف از وظیفه عرضه محصول سالم محقق نشود. بنابراین، برای تحقق این هدف، وظیفه تضمین سلامت کالا مقرر شده تا تولیدکننده برای مدت زمان مشخصی آن را تضمین کند. برخی این وظیفه را تعهد ایمنی محصول تعبیر کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۳۸). ازین‌رو، در بند ۱ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کننده، مقرر شده «ضمانت‌نامه‌ای را که دربردارنده مدت و نوع ضمانت است همراه با صورت‌حساب فروش، که در آن قیمت کالا یا اجرت خدمات و تاریخ عرضه درج شده باشد، به مصرف‌کنندگان ارائه نمایند.» بنابراین، تولیدکننده باید سلامت کالای عرضه‌شده را برای مدت زمان متعارفی تضمین کند. این وظیفه بیشتر برای حمایت از منافع قراردادی خریدار است. زیرا اگر محصول فاقد سلامت باشد، حقوق خریدار در دسترسی به کالای سالم تأمین نمی‌شود.

عرضه محصول

یکی دیگر از وظایف تولیدکننده عرضه محصول تا حد تأمین نیاز بازار است. ازین‌رو عدم عرضه کالا، تحت عنوان احتکار، جرم‌انگاری شده است. امیرالمؤمنین احتکار را ضرری بزرگ برای مردم و عیب برای حکومت شمرده و ضمن سفارش به رعایت حرمت بازاریان هشدار می‌دهد که در بسیاری از بازرگانان و صنعتگران بخلی زشت و آزی شدید است و به انگیزه و توقع گرانی اجناس و فشار و زورگویی به مردم به احتکار می‌پردازند که در آن زیانی بزرگ بر مردم و عیب بر حاکمان است؛ آن‌ها را از این کار بازدار و در این زمینه دستورهای لازم را صادر کن و هر کس از آن سرپیچی کرد او را شدید مجازات کن، اگر خدا بخواهد (طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۹، ج ۲۲: ۶۳۷). ازین‌رو، احتکار از کارهای حرام شمرده شده است (ایروانی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۱۶) و اگر واقع شود، امام^(ع) یا حاکم شرع باید محتکر را بر فروش الزام کند (نراقی، ۱۴۲۵: ۵۶). حتی بعضی در کالاهای مشمول ممنوعیت احتکار طوری توسعه داده که به انحصار و عدم رقابت برمی‌گردد و برآنند که از کسب‌های حرام احتکار است و آن این است که گندم یا جو یا خرما یا مویز یا

روغن را حبس کنند و نفروشدند تا گران شود و کار بر مردم تنگ شود تا شخص دیگری نباشد که بفروشد یا اگر باشد، فروش او کفایت نکند. این در صورتی است که مردم مضطر نشوند؛ وگرنه هر چه عدم عرضه آن موجب اضطراب شود واجب است تا رفع اضطراب عرضه شود. این معنی اختصاص به میز و جو و گندم و خرما و روغن ندارد و جمیع مواد غذایی، پوشاکی، دارویی، و ... را شامل می‌شود (بهبهانی، ۱۳۱۰ ق: ۱۴).

پس، هر چند در اخبار کالای مشمول ممنوعیت احتکار به پنج شش مورد محدود شده، این از باب نمونه است و نه تعبد و این وجه قریب است که همه آنچه مردم به آن نیاز دارند مشمول ادله احتکار است (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۰: ۸۹). بعضی برآن‌اند که از عبارت صاحب جواهر ظاهر است که حرمت احتکار هر چه مردم به آن محتاج‌اند بین فقها اتفاق است و اختلاف آن‌ها در موردی است که به حد نیاز مردم نرسیده باشد (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۳: ۱۴۳). حتی بعضی آن را از حیث حقوق عمومی مهم توصیف کرده‌اند و بر این باورند که موضوع احتکار کالا و قیمت‌گذاری آن از موضوع‌های بسیار مهم عصر حاضر است و بُعد سیاسی و حاکمیتی آن بر بُعد اقتصادی و خصوصی آن غالب شده؛ طوری که کوتاهی در آن ممکن است موجب تزلزل یا سقوط حکومت شود (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۱۱، ۳۷۹). بنابراین، یکی از وظایف تولیدکننده عرضه کالا است. چون از سویی در ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان هر گونه تبانی و توافق موجب کاهش عرضه جرم‌انگاری شده و از سویی دیگر در قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان مجازاتی شدید برای آن مقرر شده است.

قیمت منصفانه

قیمت منصفانه بازاری و رقابتی از چالش‌های اقتصادی مهم کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، است. زیرا از سویی از منظر اقتصاددانان مکتب سرمایه‌داری که اقتصاد اکثر کشورها را متأثر یا ساختارسازی کرده، به اقتضای اقتصاد بازار آزاد، قیمت باید توسط عرضه و تقاضا تعیین شود و دولت نباید در قیمت‌گذاری دخالت کند و از سوی دیگر فقدان رقابت در بازار و سودجویی غیرمنصفانه اکثر دست‌اندرکاران تولید و توزیع موجب اجحاف به مصرف‌کننده داخلی و مانع صدور کالا به بازار خارجی شده است.

بنابراین، هرچند از منظر اقتصاد آزاد دخالت دولت در بازار موجب بی‌ثباتی آن می‌شود، از منظر اقتصاد اسلامی، که توزیع داوطلبانه ثروت، نه انباشت آن، در اولویت است، دولت باید در مواردی در قیمت‌گذاری دخالت کند. چون بازار تحت تأثیر اقتصاد سرمایه‌داری به هیچ حدی از سود منصفانه قانع نیست. معیار عرضه و تقاضا نیز معیاری موهوم است. چون اکثر صاحبان امکانات می‌توانند با عرضه تدریجی محصول و کمتر از میزان تقاضا، در بازار، قیمت کاذب ایجاد کنند و موجب اجحاف و ظلم بر مصرف‌کننده شوند. به همین علت، امیرالمؤمنین هشدار می‌دهد که در بسیاری از بازاریان بخل و سختگیری قبیحی است که در معاملات موجب زورگویی می‌شود. معاملات باید با تسامح و گذشت و بر موازین عدل منعقد شود؛ طوری که به طرفین عقد اجحاف نشود^۱ (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۷۷). البته بعضی معتقدند مشروعیت قیمتی که فروشنده تمایل دارد کالای خود را با آن قیمت بفروشد از واضحات فقهی و شریعت است. چون به ادله عامی او از قیمت اجحافی منع نشده است. پس، دستور امام به قیمت‌گذاری و منع بازاریان از فروش با قیمت بیشتر از حیث ولایت بر امور مسلمین است و او از اختیارات خود برای پرکردن منطقه فراغ، طبق مقتضیات عدالت اجتماعی، که اسلام خواهان تحقق آن است، استفاده می‌کند^۲ (صدر، ۱۴۱۷: ۶۹۲). اما باید توجه کرد که اولاً دستور امام به اینکه بیع باید عادلانه باشد، طوری که به طرفی اجحاف نشود، یک دلیل عام است نه حکم حکومتی. چون امام قیمت غیرعادلانه یا اجحاف را زیان برای مردم و عیب بر والی توصیف کرده‌اند. بنابراین، دستور امام به قیمت عادلانه در مرحله اول خطاب به بازاریان و در مرحله دوم خطاب به حاکم اسلامی است؛ یعنی باید به قیمت عادلانه بفروشد و اگر امتناع کند، حاکم اسلامی باید مانع اجحاف شود. ثانیاً باید بین رابطه حقوقی و وضعیت و ساختار بازار فرق گذاشت. اگر مقدار قیمت در یک رابطه حقوقی معین باشد، قیمت

۱. «وَاعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحْشَا وَ شَحًا قَبِيحًا وَ احْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبَيْعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلِيَّةِ فَمَنْعٌ مِنَ الْاِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مَنَعَ مِنْهُ وَ لَيْكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ اسْتِعَارٍ لَاتُجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُتَبَاعِ ...»

۲. «من الواضح فقهيًا: أن البائع يباح له البيع بأى سعر أحب و لاتمنع الشريعة منعا عاما عن بيع المالك للسلعة بسعر مجحف. فأمر الإمام بتحديد السعر و منع التجار عن البيع بثمان أكبر صادر منه بوصفه ولى الأمر. فهو استعمال لصلاحياته فى ملء منطقة الفراغ وفقا لمقتضيات العدالة الاجتماعية التى يتبناها الإسلام.»

همان است که طرفین آگاهانه بر آن توافق کرده‌اند. اما اگر قیمت در ساختار بازار مطرح باشد، قیمت باید عادلانه و منصفانه باشد تا، به تعبیر امیرالمؤمنین، موجب اجحاف بر هیچ طرف نشود. در نتیجه، باید بین رابطه حقوقی و وضعیت بازار تفکیک قایل شد. چون عدالت در یک رابطه خصوصی همان است که طرفین به اختیار و آزادی انتخاب کرده‌اند. اما در زمینه عدالت در قیمت بازاری باید به منافع متوازن طرفین توجه شود که در تعبیرات حقوق غرب به عدالت معاوضی تعبیر شده است.

بنابراین، در بسیاری از روایات، مانند روایت «رفاعه» از امام صادق^(ع) (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۳۶۵). قیمت عادلانه بازاری ملاک مناسب بودن قیمت مورد نظر مشتری توصیف شده است. در نظریات فقهی نیز در موارد بسیار به ملاک قیمت عادلانه تصریح شده (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۷: ۲۶۵؛ میرزای شیرازی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۵۵؛ کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ ق، ج ۲: ۳، ۶۶؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۴: ۴۲۴؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۶: ۳۷۸) که ناظر بر قیمت منصفانه است. حتی آن دیدگاه فقهی نیز که به قیمت‌گذاری منصفانه حاکمیتی در احتکار معتقد نیست (فاضل‌آبی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴۵۶) بر قیمت عادلانه تأکید و دولت را از دخالت در قیمت منصفانه نهی می‌کند. البته، اگر محتک اجحاف کند، دولت باید مانع او شود و این امر در قالب فرمول قیمت‌گذاری محقق می‌شود. ازین رو، بعضی برآن‌اند که اگر محتک در تعیین قیمت اجحاف کند، باید او را به کاهش قیمت امر کرد؛ اما نباید نرخ تعیین کرد (شعرانی، ۱۴۱۹: ۲۴۰). برخی دیگر، که با استناد به دلیل سلطه، قیمت‌گذاری را از اختیارات مالک می‌دانند، برآن‌اند که اگر محتک به‌رغم اجبار به فروش از تعیین قیمت امتناع یا در تعیین مقدار آن اجحاف کرد، حاکم می‌تواند قیمت‌گذاری کند (محقق‌ثانی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۴۲). با این حال، هرچند در بعضی از نظریات فقهی قیمت‌گذاری نه از وظایف، بلکه از ضروریات و لازمه بقای حاکمیت توصیف شده (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۱۱ و ۳۷۹)، اما هشدار حضرت امیر به مالک ظاهر در اختیار داشتن دولت به قیمت‌گذاری نیست و رویکرد سرمایه‌گذاری را نیز، که قیمت‌ها را در پرتو عرضه و تقاضا قابل تعیین می‌داند، رد می‌کند.

در حقوق موضوعه، به‌رغم اینکه گران‌فروشی جرم‌انگاری شده، عملاً در زمینه قیمت عادلانه غفلت شده است و فقط درباره افزایش قیمت چند قلم کالای اساسی از مقامات ذی‌صلاح مجوز دریافت می‌شود. مثلاً، در بند ۵ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، هر گونه توافق بین عرضه‌کنندگان، به منظور افزایش قیمت، تبانی و در ماده ۸ جرم محسوب شده است. همچنین، در ماده ۵ مقرر شده: «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات مکلف‌اند، با الصاق برچسب روی کالا یا نصب تابلو در محل کسب یا حرفه، قیمت واحد کالا یا دستمزد خدمت را به‌طور روشن و مکتوب، به‌گونه‌ای که برای همگان قابل رؤیت باشد، اعلام نمایند.» در این ماده عرضه‌کننده به شفاف‌سازی و صراحت در قیمت موظف شده است. چون نصب قیمت، در حد خودش، مانع قیمت بسیار ناعادلانه می‌شود و نیز راه را برای نظارت سازمان تعزیرات همواره می‌کند. اما، قبل از عمل به این وظیفه باید قیمت عادلانه تعیین شود.

هشدار

هرچند سلامت محصول از وظایف اساسی تولیدکننده است، این وظیفه مطلق نیست. زیرا سلامت مطلق هیچ کالایی، به‌خصوص محصولات دارویی، به‌طور صددرصد، قابل تأمین نیست و مصرف بعضی از محصولات ممکن است عوارض جانبی خاصی داشته باشد یا برای افرادی خاص زیان‌بار باشد. در این موارد، تکلیف «هشدار» باید جایگزین وظیفه «سلامت» شود. مثلاً، مطابق دستورالعمل هشدار اروپایی^۱، تولیدکننده باید عوارض ذاتی موجود در محصول را، که مطابق استاندارد و فناوری روز عرضه قابل کنترل نیست، به مصرف‌کننده هشدار دهد (Goodden, 2009: 40).

در حقوق ایران به این تعهد کمتر توجه شده و فقط در بند ۲ ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان «هشدار» به «آگهی مقدم بر مصرف» تعبیر شده و تولیدکننده موظف است به مصرف‌کننده اطلاع دهد. بنابراین، وظیفه هشدار و ارائه دستور مصرف کالا از این بند قابل استنباط است. کالای مصرفی در دو حوزه، بدن انسان و خارج از بدن انسان، ممکن است استفاده شود. در زمینه محصولات مصرفی که مصرف آن به بدن اختصاص دارد باید نحوه و میزان مصرف تشریح یا به تشخیص متخصص واگذار شود؛ مانند دارو، که نحوه و مقدار استفاده آن به تجویز پزشک واگذار

1. The Product Warranty Directive

می‌شود. یعنی باید برچسب نحوه استفاده یا استفاده به تشخیص متخصص بر کالا درج شود. زیرا اصل حرمت انسان اقتضا می‌کند که عرضه‌کننده چنین محصولی به مصرف‌کننده آن بی‌اعتنا نباشد. درباره محصولات که خارج از بدن انسان استفاده می‌شوند نیز نحوه مصرف باید به اطلاع مصرف‌کننده برسد تا معامله آن محصول و استفاده از کالا عقلایی شمرده شود. در حقوق ایران بعضی این وظیفه را به تعهد قراردادی فروشنده توصیف کرده‌اند. چون تولیدکننده به‌طور ضمنی ملتزم به ارائه اطلاعات نحوه استفاده است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۸۶) و بعضی دیگر به مسئولیت عرفی تولیدکننده در زمینه نحوه مصرف و هشدار خطر احتمالی توجیه کرده (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵: ۵۲ - ۵۳). اما عرف نتیجه‌نگر است و نمی‌تواند منشأ و منبع ایجاد وظیفه هشدار و راهنمای مصرف برای تولیدکننده شود. تنها نتیجه این دیدگاه مسئولیت تولیدکننده در جبران خسارت، در صورت عدم هشدار، است؛ درحالی‌که هدف قواعد مسئولیت مبتنی بر تولید ایجاد وظیفه است.

جایگاه مبنا

مبنای عادلانه موضوعی اساسی است که باید در تعیین قواعد مسئولیت مبتنی بر تولید بدان توجه کرد. چون از سویی تولید از ضروریات جامعه است و نباید به‌طور مطلق ضمان‌آور باشد و از سوی دیگر حمایت از ثروت ملی و حقوق مصرف‌کننده مستلزم این است که تولید هیچ کالایی بدون ضمان نباشد. پس، باید مبنایی انتخاب شود که بین این دو مصلحت توازن ایجاد کند. به همین دلیل، بعضی در توصیف قواعد مسئولیت مبتنی بر تولید بر مبنای نظری تمرکز می‌کنند و می‌گویند مبنای نظری حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید را باید میان قواعدی که در مسئولیت مدنی به‌طور عام بر اساس توازن بین استانداردها و ضرورت رابطه سببیت است و قواعدی که خاص مسئولیت مبتنی بر تولید است، جست‌وجو کرد^۱ (Stapleton, 1994: 7). بنابراین، بدون تعیین مبنای عادلانه و جامع، نمی‌توان قواعد حقوقی موضوعی را توجیه کرد. زیرا رابطه بین مبنا و فلسفه

1. «pointed out that theoretical foundations of product liability law should be sought among those inherent in civil liability in general, “based on balancing standards and causal requirements”, and those specific for product liability.»

مسئولیت و قواعد مسئولیت از دو منظر، یکی از حیث تشریحی^۱ و دیگری از حیث اصولی^۲، قابل توجه است. چون مبنای نظری از یک طرف تشریح می‌کند که قواعد چرا تعیین شده‌اند و به چه روشی باید تفسیر و اعمال شوند و از طرف دیگر بر روند تشکیل و اعمال قواعد تأثیرگذارند. افزون بر این، نظریه‌ها، همان‌گونه که بر روش تصویب مقررات تأثیر شدید دارند، بر جهت‌گیری دادگاه‌ها در تفسیر قضایی از قواعد اثرگذارند. بنابراین، در بیشتر کشورهای اروپایی تفسیر قضایی خاستگاه اصلی و اولیه حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید است. همچنین، تحول تفکرات علمی در این حوزه قابل توجه است. چون بر اساس نظریات عدالت معاوضی^۳ و توزیعی^۴ و اصلاحی^۵، که ارسطو و پیروان او مطرح کرده‌اند، تئوری‌های معاصر تعهدات تصویری مخلوط از نقش‌ها و کارکردها رسم کردند که حقوق مسئولیت مدنی باید آن را در جامعه مدرن اجرا کند (Tulibacka, 2009: 53). در نتیجه، مبنای فلسفی مسئولیت مبتنی بر تولید باید با ملاحظات نظری ضرورت حمایت از مصرف‌کننده، حفظ و تنظیم بازار، ایجاد رقابت در بازار، و توازن حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده با هدف تقویت بنیه اقتصاد ملی تدوین شود و با توجه به این عوامل نظریه‌های مبنایی مسئولیت مبتنی بر تولید بررسی شود.

نظریه تقصیر

واژه «تقصیر»، از این حیث که بار منفی به ذهن مخاطب القا می‌کند، که مرتکب آن مسئولیتی بر عهده دارد، اولین مبنای مقبول و مشروع برای توجیه هر مسئولیت حقوقی در نظر گرفته شد. اما، با گذشت زمان تحولاتی در مفهوم و نحوه احراز آن به وجود آمد که عملاً به حذف تقصیر از مبنای مسئولیت مدنی منجر شد. بنابراین، واژه «تقصیر»، هرچند برای توجیه مسئولیت مدنی مقبولیت اجتماعی داشت، به علت اختلاف در مفهوم و مراد از آن، نتوانست کارایی لازم را داشته باشد. مثلاً بعضی می‌گویند تقصیر مفهومی پیچیده است که گاهی به بی‌دقتی تعبیر می‌شود که بین دو استاندارد دیگر مسئولیت، یعنی مسئولیت محض و عمل نادرست عمدی، قرار می‌گیرد. با این

-
1. Explanatory nature
 2. Normative nature
 3. Commutative justice
 4. Distributive justice
 5. Corrective justice

حال، مفهوم تقصیر، نسبت به استاندارد مسئولیتی که در بسیاری از سیستم‌های حقوقی به‌کار می‌رود، عملاً متضمن دو عنصر فرعی غیرقانونی یا نادرستی است که به عنوان عنصر نوعی و دیگری تقصیر مناسب، که عنصری ذهنی و شخصی است (Tulibacka, 2009: 65 – 66) یا دو عنصر عینی و ذهنی تعبیر می‌شود (Moréteau, 2015: 59).

بعضی دیگر بر نقش تقصیر تمرکز می‌کنند و برآن‌اند که تقصیر اعمال مسئولیت بر اشخاص را ممکن می‌کند برای پاسخگویی به آسیب یا زیانی، به علت انجام دادن عملی که مطابق استانداردهای الزامی رفتاری نیست. قلمرو آن بسیار گسترده است و با مفهوم متعارف تعیین می‌شود (Widmer, 2005: 334). در این دیدگاه بر نقش تقصیر، که توجیه ضمان‌آور بودن عمل است، توجه و از ماهیت و چیستی آن غفلت شده است.

به هر حال، اختلاف در چیستی و ماهیت تقصیر و توسعه در حقوق مسئولیت مدنی معاصر موجب شد تقصیر جایگاه اولیه خود را به تدریج از دست بدهد. در اروپا، دو جریان در این مورد نقش اساسی داشت: نخست نوعی کردن مفهوم تقصیر، که بر عوامل نوعی، مانند غیرقانونی و نادرستی، متمرکز شد، و دوم نوعی کردن مسئولیت، که به اعراض از ضرورت تقصیر به‌طور کامل منجر شد. این دو فرایند از حیث مفهوم یکسان نیستند. در تقصیر نوعی هنوز ملاحظه عنصر رفتار خواننده (رفتار غیرقانونی یا نادرست) لازم است؛ در حالی که در مسئولیت نوعی نگاه‌ها از رفتار به نتیجه تغییر کرد و حتی مسئولیت را از هر گونه رفتاری مستقل دانست (Goldberg, 2003: 22 – 27). همچنین، از حیث سستی نیز می‌توان بین کشورهای حقوق نوشته و حقوق عرفی نوعی دوگانگی در زمینه رویکرد به استانداردهای مسئولیت مشاهده کرد. چون کشورهای حقوق نوشته، مانند فرانسه، بیشتر رویکرد مکانیسم جبرانی با اولویت عدالت توزیعی (Moréteau, 2015: 4) به حقوق مسئولیت مدنی دارند؛ در حالی که انگلیس و به‌طور کلی حقوق عرفی آن را به‌مثابه اهرم تعدیل رفتاری با اولویت عدالت اصلاحی می‌نگرند (Oliphant, 2015: 379).

هرچند این موضوع، که تعهدات تولیدکننده ناشی از محصول دارای عیوب احتمالی است که ممکن است موجب آسیب جسمی یا مالی شود و عنوان عیب غالباً در پرونده‌های مسئولیت مبتنی بر تولید مطرح است، اما وقتی سیستم حقوقی مسئولیت مبتنی بر تولید کامل شد نقطه ثقل این

مباحث به طور معناداری تغییر یافت. چون ابتدا سیستم مبتنی بر تقصیر بود و تأکید دادگاه و دکتترین بر محصول یا شرایط آن نبود، بلکه بر رفتار خوانده خاصی بود که محصول را به بازار عرضه کرده بود (Whittaker, 2005: 5). با گذشت زمان ثابت شد که این رویکرد با واقعیت پرونده‌های مبتنی بر تولید مطابق نیست. چون معمولاً مؤسسات و اشخاص حقوقی در این پرونده مطرح‌اند که به سختی می‌توان به رفتار شخص آنان استناد کرد. حتی در بعضی از سیستم‌های حقوق نوشته، مانند آلمان، از نظریه فرض تقصیر استفاده شد (Mak, 2009: 71). چون تولیدکننده باید ثابت کند تقصیری مرتکب نشده است. در بعضی مانند هلند و انگلیس، به اصل بداهت تقصیر^۱ استناد شد (Taschner, 2005: 158؛ Van dam, 2005: 131). اما، در نهایت، اثبات تقصیر از شرایط مسئولیت حذف و توجهات به توقعات شخص متعارف متمرکز شد. بار اثبات دقت و مواظبت لازم نیز بر عهده خواننده‌ها گذاشته شد (Sengayen, 2005: 267).

بنابراین، نظریه تقصیر، اعم از شخصی و نوعی، نتوانست مسئولیت مبتنی بر تولید را توجیه کند. زیرا تقصیر شخصی، در فرایند تولید، که توسط شرکت‌های و اشخاص حقوقی انجام می‌شود، قابل تحقق نیست. به تعبیر دیگر، منتفی به انتفای موضوع است. از حیث مفهوم نوعی نیز اثبات آن مشکل است و به تعبیر بعضی مانعی در جهت حمایت از مصرف‌کننده است (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۲۵). زیرا خواهان باید بر فرایند تولید تخصص و اطلاعات کافی داشته باشد تا بتواند تقصیر را اثبات کند. به علاوه، حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید اهداف دیگری، مانند حمایت از اقتصاد ملی و حفظ بازار داخلی و حضور در بازار خارجی، را در نظر گرفت که با مبنای تقصیر تحقق آن ممکن نبود. در نتیجه، این تحولات، که به رغم ظاهر ادعای آن در جهت تثبیت نظریه تقصیر مطرح شد، عملاً به حذف و طرد نظریه تقصیر در مطلق حوزه مسئولیت مدنی منجر شد.

نظریه عیب محصول

ناتوانی نظریه تقصیر در توجیه مسئولیت تولیدکننده به طرح نظریه مسئولیت محض یا بدون تقصیر با توجیه عیب کالا منجر شد. در این تحول مسئولیت مبتنی بر تولید از بررسی رفتار تولیدکننده به بررسی وضعیت محصول و شرایط آن و به تعبیر دیگر از تقصیر به عیب محصول، از منظر شخص

متعارف، منتقل شد. هرچند بعضی (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۸۴) لازمه این معیار را پنهانی عیب از مشتری دانسته‌اند، چون عیب نه از نقصان ساختاری کالا بلکه از دیدگاه مصرف‌کننده متعارف تشخیص داده می‌شود، وجود چنین شرطی ضروری نیست. زیرا این فرایند نقطه مقابل تحول کلی معیار مسئولیت از رفتار به نتیجه است. به عبارت دیگر، از سرزنش بدرفتاری به خطر نوعی (Tulibacka, 2009: 63)، که بعضی به حرکت از مسئولیت مبتنی بر تقصیر به مسئولیت مبتنی بر عیب^۱ (Yamamoto, 2015: 635) یا از تقصیر به تدبیر (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۲۱)، تعبیر کرده‌اند. در این رویکرد، به جای سرزنش تولیدکننده، به علت نداشتن دقت مناسب در طرح و تولید یا به طرق دیگر که با محصول ارتباط داشته، باید، بدون توجه به رفتار خواننده، بر عیب محصول متمرکز شد (Tulibacka, 2009: 63) و به صرف وجود عیب مسئولیت تولیدکننده را توجیه کرد (Redo, 2015: 228). اما باید توجه کرد که برخلاف دیدگاه حقوق ایران و فقه اسلامی، که عیب را در ساختار کالا جست‌وجو می‌کند و مصرف‌کننده ممکن است در اثبات عیب با مشکل مواجه شود (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۸۵)، در این رویکرد تشخیص عیب با معیار توقع شخص متعارف با توجه به کارکرد، استانداردهای روز تولید، زمان عرضه، و هدفی که کالا برای آن عرضه شده صورت می‌گیرد و اثبات آن برای مصرف‌کننده مشکل نیست.

این رویکرد، از دیدگاه برخی، به کارکرد جبرانی قواعد مسئولیت نیرو و توانایی داد؛ هرچند استدلال شده که کارکرد بازدارندگی و تعدیل رفتاری نیز دارد. از طرف دیگر، عناصر تعیین‌کننده مسئولیت گزینش نوع سیاست و سازشی را که قانون‌گذار و دادگاه‌ها پیگیری می‌کنند منعکس می‌کند. این محدوده‌ها در مسئولیت مبتنی بر تولید عبارت است از شرایط خاص عیب، خسارت قابل مطالبه، و دفاعیات تولیدکننده؛ همان‌گونه که در دستورالعمل مسئولیت مبتنی بر تولید اروپایی لیست دفاعیاتی برای تولیدکننده مقرر شده که حاکی از ضرورت ایجاد توازن بین سیاست‌های متنوع به صورت نوعی است (Tulibacka, 2009: 67 – 68). بنابراین، این نوع مسئولیت، آن‌گونه که بعضی توصیف کرده‌اند، مسئولیت محض صرف نیست که اگر تولیدکننده همه احتیاط‌های لازم را رعایت کرده باشد (جعفری‌تبار، ۱۳۷۵: ۴۱)، در قبال مصرف‌کننده مسئول باشد. چون برای توازن

1. From fault-based liability to liability for a defect

بین حقوق تولیدکننده و وظایف او دفاعیاتی برای اثبات عدم مسئولیت مقرر شده است. در ماده ۷ دستورالعمل اروپایی برای مواردی مانند عدم عرضه محصول، عدم وجود عیب در زمان عرضه، عدم تولید به قصد تجارت، وجود عیب به دلیل رعایت دستور آمره مقامات ذیصلاح عمومی، عدم وجود علم و فن تشخیص عیب در زمان عرضه محصول، و در صورتی که پیمانکار فرعی باشد و ثابت کند که عیب مربوط به طرح نهایی تولید محصول یا ناشی از دستور تولیدکننده نهایی است شش نوع دفاع برای تولیدکننده پیش‌بینی شده است.

به‌هرحال، مسئولیت مبتنی بر تولید بر استناد ضرر مصرف‌کننده به تولیدکننده مبتنی است و نیازی به اثبات تقصیر نیست. بنابراین، در ماده ۴ دستورالعمل اروپایی و ماده ۸ - ۱۲۴۵ ق.م. فرانسه، اصلاحی ۲۰۱۶، مقرر شد مصرف‌کننده زیان وارده و عیب کالا و رابطه سببیت را اثبات کند.^۱ در این ماده، به‌صراحت، تقصیر از مبنای مسئولیت حذف شده است.

در حقوق آمریکا نیز بند a ماده ۴۰۲ بازنگری دوم مسئولیت محض را بر فروشندگان کالای معیوب تحمیل می‌کرد. اما اعمال آن از جهاتی با مشکل مواجه بود؛ چون اعمال آن منوط به عبارت «به‌طور غیرمتعارف خطرناک» شده بود که مورد آن شفاف و دقیق نبود. و نیز محصول ناشی از طراحی معیوب را شامل نمی‌شد. در ماده ۱ و ۲ بازنگری سوم مسئولیت، که اکثر ایالت‌ها مقررات آن را پذیرفته‌اند، چون قانون فدرال ندارد، قید «محض» حفظ شد. اما اجازه داد که اشخاص درباره طراحی معیوب و عدم هشدار بر مبنای «غفلت» اقامه دعوی کنند (Sterrett, 2015: 894).

در حقوق ایران، هرچند بعضی بر لزوم اثبات تقصیر برای احراز رابطه سببیت تولیدکننده در اضرار به مصرف‌کننده، به استناد ماده ۱ ق.م.م. و ماده ۳۳۱ ق.م.م. باور دارند (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۴۵)، با توجه به خصوصیات حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید به‌طور خاص و قواعد مسئولیت مدنی به‌طور عام، نمی‌توان برای تقصیر جایگاه موضوعی در مسئولیت تعریف کرد (باریکلو، ۱۳۹۳: ۵۷ به بعد). زیرا در حقوق غرب اصلاح رفتاری عامل و بازدارندگی هدف تعیین شد و تقصیر نقش موضوعی یافت که در عمل، با آمدن بیمه‌های مسئولیت و توجیه آن بر مبنای نظریه

1. Art. 1245-8: «Le demandeur doit prouver le dommage, le défaut et le lien de causalité entre le défaut et le dommage.»

عدالت توزیعی، موفق نشد. در حالی که، در رویکرد حقوق اسلامی، اصلاح رفتار با قواعد اخلاقی، نه با قواعد حقوقی صرف، ممکن است. بنابراین، هدف حقوق مسئولیت مدنی بیشتر بر جبران خسارت زیان دیده متمرکز شد و فرقی بین تقصیر و عدم تقصیر عامل زیان وجود ندارد. موضوع فقط احیای حق زیان دیده است. به همین علت، در ماده ۵۲۹ ق.م.ا.^۱، قاضی موظف شده استناد زیان حاصله به فعل زیان بار را احراز کند. پس، در حقوق ایران نیز می توان مسئولیت محض و بدون تقصیر را در نظر گرفت. چون وقتی رابطه سببیت بین عیب کالا و زیان وارده ثابت شود استناد عیب به تولیدکننده نیز محرز می شود. ولی باید توجه داشت که این قواعد و رژیم حقوقی فقط یکی از اهداف فرعی حقوق مبتنی بر تولید، یعنی حمایت از مصرف کننده زیان دیده، را به طور ناقص پوشش می دهد و سایر اهداف اصلی، مانند ارتقای کیفیت محصول و حق دسترسی مصرف کننده به محصول باکیفیت و تأمین منافع اقتصادی، که برای تحقق آن وظایفی برای تولیدکننده مقرر شده، تأمین نمی شود. پس، باید مبنایی تعیین شود که همه وظایف تولیدکننده یا دست کم اهداف اصلی حقوق تولید را دربرگیرد.

امنیت بازاری

هرچند در سیستم های حقوق اروپایی و امریکایی مسئولیت محض مبنای مسئولیت تولیدکننده است، صرف این عنوان نمی تواند وظایف تولیدکننده را توجیه کند. چون، این عنوان نوع مسئولیت، نه مبنای مسئولیت، را توصیف می کند. همچنین، در مواردی که فعلی نامشروع باشد، با هدف حفظ نظم و اخلاق، ممکن است بتوان مسئولیت محض را توجیه کرد؛ اما در موضوع تولید، که از ضروریات زندگی اجتماعی است، نمی توان چنین توجیهی را مطرح کرد. بنابراین، برخی شناسایی دفاع برای تولیدکننده و نیز تحدید حداقل و حداکثر مسئولیت را با مسئولیت محض مطابق نمی دانند و برآنند که این نوع مسئولیت مسئولیتی محض نیست (Martín-casals, 2005: 48). از سوی دیگر، وظایف تولیدکننده در یک ساختار حقوقی، قبل از تحقق رابطه حقوقی، مقرر شده است. به عبارت دیگر، قبل از اینکه تولیدکننده وارد یک رابطه حقوقی، اعم از قراردادی و

۱. ماده ۵۲۹: «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.»

خارج از قراردادی، با مصرف‌کننده شود، باید وظایفی را انجام دهد؛ درحالی‌که مسئولیت محض در یک رابطه حقوقی بین شخص و زیان‌دیده مطرح می‌شود و زیان‌دیده برای مطالبه خسارت به اثبات تقصیر مسئول نیاز ندارد.

این وظایف، در بعضی تعابیر حقوق اسلامی، «واجبات النظامیه» معنا شده است؛ یعنی واجباتی که برای ثبات و قوام جامعه اساسی است و انجام‌ندادن آن موجب اخلال می‌شود (بحرالعلوم ۱۴۰۳، ج ۲: ۵ - ۶). بنابراین، لزوم تأمین امنیت بازاری، با هدف جلب اعتماد مشتری، توجیهی است که ظرفیت پوشش همه وظایف تولیدکننده را دارد. پس، اگر شخصی در انجام‌دادن واجبات اجتماعی موجب زیان اشخاص هدف شود، باید زیان وارده را جبران کند؛ مانند پزشک و صنعتگر، که در ادله، بعد از عدم حصول نتیجه کمی یا کیفی واجبات اجتماعی، ضمان آن‌ها مطرح شده است. در نتیجه، با توجه به لزوم تطابق نظریه‌ها با ادله شرعی در حقوق اسلامی باید از روح ادله واجبات اجتماعی از یک جهت و ادله وظایف حرفه‌گران از جهت دیگر و ضمان آن‌ها نظریه و مبنایی را استنباط کرد که اولاً اصل وظایف سلامت کالا و خدمت و تضمین آن را توجیه کند و ثانیاً همه وظایف تولیدکننده را شامل شود. چون مسئولیت محض فقط وظیفه جبران زیان مصرف‌کننده توسط تولیدکننده را پوشش می‌دهد. ثالثاً با اهداف حقوق مسئولیت مبتنی بر تولید هماهنگی و همخوانی داشته باشد و در نهایت جبران خسارت احتمالی مصرف‌کننده را نیز پوشش دهد.

بنابراین، با توجه به مصنوعی بودن اغلب محصولات بازاری، این موارد زمانی محقق می‌شود که محصول هنگام عرضه اولیه به بازار فاقد عیب باشد. به همین جهت، بعضی برآن‌اند که هرچند، در دکترین حقوقی و مبانی فلسفی، مسئولیت مبتنی بر تولید در دسته حقوق تعهدات توصیف شده، این شاخه از حقوق تعهد خصوصیات از قبیل پایه یا مقیاس حقوق بازار^۱، مکانیسم جبران خسارت، مکانیسم تأمین سلامت محصولات^۲، و مقیاس حقوق مصرف است؛ که میان رشته‌های گوناگون اقتصادی و حقوقی و اجتماعی بدان جایگاه ویژه می‌دهد. به همین علت، چهارچوب

1. Market law measure

2. Mechanism ensuring safety of products

ساختار حقوقی مسئولیت مبتنی بر تولید باید با توجه به جایگاه آن در این رشته تعیین شود (Tulibacka, 2009: 47).

با توجه به این جایگاه، بعد از پیدایش و ظهور عقاید اقتصاد بازاری، تئوری‌های گوناگونی درباره علت لزوم تحمل ریسک خسارت ناشی از محصولات معیوب تولیدی - توزیعی توسط اشخاص تجاری حرفه‌ای در اروپای غربی و مرکزی مطرح شد. البته بعضی (Van dam, 2006: 609 - 3) برآنند که رویکرد حقوق فرانس و آلمان تلفیق بین بازار آزاد و سیاست‌های اجتماعی و رویکرد حقوق انگلیس به‌طور برجسته بر بازار آزاد با جهت حمایت از آزادی است. در ایالت متحده نیز تئوری‌های اقتصادی پراسر^۱ یا پاسنر^۲ توجه عام را جلب کرد؛ که مهم‌ترین آن از حیث اقتصادی تئوری هزینه کمتر بازدارندگی^۳ (Rajneri, 2005: 80) و از حیث حقوقی تئوری عدالت اصلاحی ارسطویی بود، که مسئولیت اشخاص حقوقی به استناد ریسک‌پذیری به‌منظور رسیدن به منافع مالی توجیه شد (Stapleton, 1994: 186).

این تحولات نشان‌دهنده این است که توجیه مسئولیت تولیدکننده را باید در فرایند تولید و عرضه محصول جست‌وجو کرد، نه در رابطه قراردادی یا یک قاعده حقوقی خارج از قرارداد؛ که فقط ناظر بر حمایت از زیان‌دیده مصرف‌کننده معیوب است و از پوشش سایر اهداف حقوق تولید قاصر است.

با توجه به آنچه آمد، نظریه ثبات و امنیت بازاری، که در حقوق اروپایی نیز به آن روی آورده‌اند^۴، می‌تواند مبنایی مناسب برای وظایف تولیدکننده باشد. چون لزوم حفظ امنیت و ثبات

1. Prosser

2. Posner

3. Cheapest cost avoider

۴. در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۳، کمیسیون اروپایی دو بسته اصلاحی، با نام‌های GPSR و MSPR، عرضه کرد که در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۳ به تصویب پارلمان اروپا رسید و از ۲۰۱۵ اجرایی شد. GPSR به تعهدات و وظایف فعالان اقتصادی اختصاص یافت تا قدرت مانور و تفسیر متفاوت را از آنان سلب کند. بنابراین، جهت شفاف‌سازی وظایف، محصولاتی مانند دارو و غذا و ...، که مقررات و استاندارد تولیدی خاص دارند، چون نسبت به کیفیت محصول رویکردی سختگیرانه‌تر دارند، از شمول مقررات عام خارج کرد تا موجب حمایت بهتر از سلامت کالا و مانع فرار فعال اقتصادی با استناد به مقررات عام از وظایف شود. مثلاً مطابق بند ۶ ماده ۸، برچسب شماره سریال مبدأ باید بر همه محصولات نصب شود و اگر محصولی آن قدر کوچک است که برچسب قابل نصب نباشد، باید در جعبه عرضه شود تا شماره سریال بر آن نصب

بازار، به استناد ادله اماره بازار مسلمین، قابل اثبات است که هدف اصلی آن از یک طرف حفظ حرمت و حقوق اشخاص و از طرف دیگر توسعه درستکاری و صداقت در جامعه مسلمین است. چون یکی از نگرانی‌های مشتری عدم سلامت کالای عرضه شده به بازار در سه بعد حقوقی، مانند عرضه مال غیر، مادی، مانند معیوب بودن و کارایی نداشتن، و شرعی، مانند نجاست و حرمت یا حلال نبودن برخی محصولات و حتی بهداشتی نبودن است، که در بازار مسلمین باید به این سه مورد توجه و از عرضه محصولاتی که فاقد این خصوصیات هستند ممانعت شود تا، با رفع نگرانی مصرف کننده، به بازار اعتماد شود. بنابراین، نظریه امنیت بازار جهت جلب اعتماد مشتری به بازار داخلی به منظور حفظ منافع اقتصادی و حمایت از مصرف کننده و نیز حضور در بازار خارجی نظریه‌ای است که علاوه بر انطباق با ادله شرعی وظایف تولیدکننده را توجیه و اهداف اقتصادی نظام را محقق می‌کند.

نتیجه گیری

هرچند، واژه «تقصیر»، به علت تبادر معنای منفی از آن به عنوان نظریه مبنایی مسئولیت مدنی مطرح شد، اما از سویی به دلیل اجمال در مفهوم و نیز مشکلات اثباتی آن به خصوص در مسئولیت

شود. همچنین، طبق بند ۳ ماده ۱۰، تولیدکننده یا واردکننده باید علامت تجاری یا نام تجاری، آدرس تماس و نقطه تماس را معین کند. در ماده ۱۸ نیز دولت‌ها موظف به اعمال مجازات بر متخلفان از این مقررات شده‌اند. نوآوری‌های بسته GPSR در مرحله اول نظارت بر بازار را شفاف و قابل کنترل برای مقامات ناظر بر بازار و در مرحله بعد به نحوی مطلوب در ساختار حقوق بازار از مصرف کننده در دسترسی به کالای سالم حمایت می‌کند.

هدف MSPR ایجاد ساختار نظارتی منسجم بر بازار است. ازین رو، مقررات نظارت بر بازار GPSD و مقررات شماره Regulation 765/2008 با هم ادغام و برای مقامات ناظر بر بازار الزاماتی یکسان و یک پارچه اعمال شد. همچنین، تشکیل نهاد نظارت بر بازار و تخصیص منابع لازم به آن از کشورهای عضو مطالبه شد تا مسئولان نظارتی بتوانند به وظایف خود به طور مناسب عمل کنند. این وظایف، که شامل واریسی محصول، استنادسازی، تست آزمایشگاهی، آگاه سازی مصرف کننده از ریسک احتمالی، رسیدگی به شکایت مصرف کننده، تأیید اقدامات اصلاحی و تعمیری تولیدکننده، و تهیه لیست سیاه از تولیدکننده متخلف باسابقه است، باید به طور منظم انجام شود. با اجرایی شدن این دو بسته، آنچه در عمل واقع شد تشکیل حقوق بازار بود که تعهدات ناشی از آن فراتر از تعهدات قراردادی و مسئولیت مدنی است.

مبتنی بر تولید و از سوی دیگر تحول اهداف مسئولیت مبتنی بر تولید که مستلزم شناسایی وظایفی برای تولیدکننده است، «تقصیر» نتوانست قواعد حقوق تولید را توجیه کند. لذا ضرورت عبور از نظریه تقصیر موجب طرح مسئولیت محض شد. اما اولاً این عنوان نوع مسئولیت را مشخص می‌کند، نه چرایی مسئولیت تولیدکننده را. ثانیاً شناسایی دفاعیات برای تولیدکننده موجب شد مسئولیت مبتنی بر تولید با مسئولیت محض مطابقت نداشته باشد. ثالثاً این عنوان فقط جبران خسارت زیان ناشی از مصرف را به علت عیب محصول توجیه می‌کند و وظایف و اهداف مسئولیت مبتنی بر تولید را پوشش نمی‌دهد. بنابراین، با توجه به وظایف و اهداف مسئولیت مبتنی بر تولید، باید به نظریه امنیت بازاری توجه کرد. نیز عرضه کالا به بازار باید به شرایط و رعایت استانداردهای الزامی تولید منوط شود تا از طرفی همه وظایف تولیدکننده توجیه شود و از طرف دیگر، علاوه بر مطابقت با ادله حقوق بازار، مانند اماره بازار مسلمین، بتوان از منافع اقتصاد ملی در بازار داخلی و جهانی و نیز مصرف‌کننده حمایت کرد.

منابع و مأخذ

۱. باریکلو، علیرضا (۱۳۹۴). حقوق قراردادها؛ عقود معین ۱، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۲. _____ (۱۳۹۳). مسئولیت مدنی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۳. بهبهانی، محمدباقر (۱۳۱۰ ق). رساله عملیه متاجر، تهران، حاج شیخ رضا تاجر تهرانی.
۴. جعفری تبار، حسن (۱۳۷۵). مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، تهران، دادگستر.
۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱). مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. _____ (۱۳۷۴). حقوق مدنی: عقود معین، ج ۱، چ ۶، تهران، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا انتشارات مدرس.
۷. _____ (۱۳۷۴). ضمان قهری، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۸. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا در حقوق ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۹. نراقی، محمد مهدی (۱۴۲۵). انیس التجار، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). مجمع الفائدة و البرهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. ایروانی، علی بن عبدالحسین (۱۴۰۶). حاشیه مکاسب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. بحرانی، زین‌الدین محمد امین (۱۴۱۳). کلمه التقوی، قم، سید جواد وداعی.
۱۳. بحر العلوم، محمد بن محمد تقی (۱۴۰۳). بلغه الفقیه، تهران، منشورات مکتبه الصادق.
۱۴. حسینی عاملی، سید جواد (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
۱۶. حلّی، حسین (۱۴۱۵). بحوث فقهیه، قم، مؤسسه المنار.
۱۷. شعرانی، ابوالحسن (۱۴۱۹). تبصره المتعلمین، تهران، منشورات اسلامیة.
۱۸. سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳). کفایه الأحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷). اقتصادنا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۰. سید رضی، محمد (۱۴۱۴). نهج البلاغه، قم، مؤسسه نهج البلاغه.

۲۱. طباطبایی بروجردی، آقا حسین (۱۴۲۹). منابع فقه شیعه، حسینیان قمی، مهدی - صبوری، تهران، فرهنگ سبز.
۲۲. فاضل‌آبی، حسن بن ابی‌طالب (۱۴۱۷). کشف الرموز، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). کشف اللثام و الإبهام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹ ق). تحرير المجلة، المكتبة المرتضوية، نجف.
۲۵. کاشف‌الغطاء، جعفر بن خضر مالکی (۱۴۲۰). شرح الشيخ جعفر علی قواعد، نجف، مؤسسه کاشف‌الغطاء - الذخائر.
۲۶. محقق‌ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل‌البيت عليهم السلام.
۲۷. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱). فقه الإمام الصادق عليه السلام، قم، مؤسسه انصاریان.
۲۸. منتظری، حسین علی (۱۴۰۹). دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية، قم، نشر تفکر.
۲۹. میرزای شیرازی، محمدتقی (۱۴۱۲). حاشیة المكاسب، قم، منشورات الشریف الرضی.
30. Goldberg, J. C. P. (2003). 'T ort' in Cane P. and Tushnet M. (eds) *The Oxford Handbook of Legal Studies*, Oxford University Press, Oxford.
31. Goodden, Randall L. (2009). *Lawsuit! Reducing the Risk of Product Liability for Manufacturers*, John Wiley & Sons, Inc., Hoboken, New Jersey.
32. Mak, Vanessa (2009). *Performance-Oriented Remedies in European Sale of Goods Law*, OXFORD AND PORTLAND, OREGON, Hart Publishing.
33. *Mari'in-Casals, Miquel* (2005). *PRODUCT LIABILITY INCOMPARATIVE PERSPECTIVE* "Spanish product liability today – adapting to the 'new' rules", Cambridge University Press, New York.
34. Moréteau, Olivier, (2015). *Basic Questions of Tort Law from a Comparative Perspective*, *Basic Questions of Tort Law from a French Perspective*, Jan Sramek Verlag, Wien.
35. Oliphant, Ken (2015). *Basic Questions of Tort Law from the Perspective of England and the Commonwealth*, *Basic Questions of Tort Law from a French Perspective*, Jan Sramek Verlag, Wien.
36. *Rajneri, Eleonora*, (2005). *PRODUCT LIABILITY INCOMPARATIVE PERSPECTIVE* "Interaction between the European Directive on Product Liability and the former liability regime in Italy", Cambridge University Press, New York.
37. Redo, Katarzyna Ludwichowska- (Ed) (2015). *Basic Questions of Tort Law from a Comparative Perspective*, *Basic Questions of Tort Law from a Polish Perspective*, Jan Sramek Verlag, Wien.
38. Stapleton, J. (1994). *Product Liability*, London: Butterworths.

39. Sengayen, Magdalena, (2005). PRODUCT LIABILITY IN COMPARATIVE PERSPECTIVE Edited, "Product liability law in Central Europe and the true impact of the Product Liability Directive", Cambridge University Press, New York.
40. Sterrett, Lauren, (2015). Product liability: Advancement in EUROPEAN UNION Product liability LAW AND A Comparison between the THE EU and U.S. Regime, *Michigan State International Law Review* [Vol. 23.3.
41. Taschner, Hans Claudius, (2005). PRODUCT LIABILITY IN COMPARATIVE PERSPECTIVE Edited, "Product liability: basic problems in a comparative law perspective" Cambridge University Press, New York.
42. Tulibacka, Magdalena (2009). Product Liability Law in Transition, *Oxford University, UK*.
43. Van Dam, Cees C., (2005). PRODUCT LIABILITY IN COMPARATIVE PERSPECTIVE Edited, "Dutch case law on the EU Product Liability Directive", Cambridge University Press, New York.
44. Whittaker, S. (2005). *Liability for Products: English Law, French Law, and European Harmonisation*, Oxford: Oxford University Press.
45. Widmer, P. (2005). *Unification of Tort Law: Fault*, European Centre for Tort and Insurance Law, The Hague: Kluwer.
46. Yamamoto, Keizô (2015). Basic Questions of Tort Law from a Comparative Perspective, *Basic Questions of Tort Law from a Japanese Perspective*, Jan Sramek Verlag, Wien.